

رویکرد قضایی سازمان ملل متحد در مبارزه با نسل‌کشی

علی خالقی *

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حمیدرضا جاویدزاده

دانش آموخته دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور مرکز تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۰/۴)

چکیده:

رویکرد قضایی یکی از ابعاد سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی است و مبین آن است که در صورت ناکارآمدی سیاست جنایی پیشگیرانه، ساز و کارهایی ایجاد شود تا مرتکبان این جرم از کیفر مصون نمانند، زیان قربانیان جبران و صلح و امنیت بین‌المللی برقرار شود. تعامل عدالت و صلح بین‌المللی و صلح مبتنی بر عدالت یکی از چالش‌های اساسی سیاست جنایی نسل‌کشی است که لازم است در رویه قضایی نهادینه شود. مطالعه صورت گرفته در مقاله حاضر در نهایت نشان می‌دهد که این بعد از سیاست جنایی سازمان ملل از کارآمدی نسبی برخوردار است.

واژگان کلیدی:

سازمان ملل، سیاست جنایی، جرائم بین‌المللی، نسل‌کشی.

مقدمه

نسل‌کشی شنیع‌ترین جرم بین‌المللی است که با قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد. این پدیده همواره در طول تاریخ رخ داده است (Sarkin & Fowler, 2008, pp. 331-333). کشتار ارامنه در سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۵ (کاسسه، ۱۳۷۰، صص ۲۲۲-۲۲۱)، کشتار مردم اوکراین در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۲ (Marcus, 2003, pp. 245 and 252) و نسل‌کشی یهودیان (Kirsch, 2007, pp. 501-502) نمونه‌هایی بارز از این جنایت است که پیش از جنگ جهانی دوم و در خلال آن ارتکاب یافته است. قتل عام در کامبوج در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۵ (Etcheson, 2003)، کشتار مسلمانان بوسنی و هرزگوین در سال ۱۹۹۳ و توتسی‌ها در سال ۱۹۹۴ موارد دیگر از نسل‌کشی پس از جنگ جهانی دوم است (Magnarlla, 2005, p. 801). در آغاز قرن ۲۱ نیز دیوان کیفری بین‌المللی، برخی مقامات و فرماندهان سودان از جمله رئیس‌جمهور این کشور را به نسل‌کشی در دارفور سودان متهم نموده (MAI-LINH, 2008, p. 236) و در ژوئیه ۲۰۱۰ شعبه مقدماتی قرار جلب وی را به اتهام نسل‌کشی صادر کرده است (Milanovic, 2008, Saira, 2010, ICC-02/05-01/09, 2010).

جامعه بین‌المللی ممنوعیت نسل‌کشی را به عنوان قاعده آمره حقوق بین‌الملل مورد تایید قرار داده (Prosecutor v Kayishema and Ruzindana, para 88) و سازمان ملل برای مبارزه با آن در بعد پیشگیری و تحمیل مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولتها سیاست جنایی خاص را اعمال کرده است. اما به رغم اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از آن، هنوز وعده جلوگیری از آن محقق نشده و فاجعه بالکان در پایان قرن ۲۱، ناتوانی یا کوتاهی سازمان نمایان کرده است (Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, p. 28). در سال ۲۰۰۸، گرجستان دعوایی علیه روسیه در ارتباط با رویدادهای مناطق جدایی طلب "استیای جنوبی" و "آبخازیا" در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح و ادعا کرد خواننده، کنوانسیون بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون نسل‌کشی را نقض کرده است (Press Release N.2008/23). این رویدادها و وقایع مشابه آن سؤالاتی را در مورد سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی مطرح کرده است. سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی در امر مبارزه با جرائم بین‌المللی از جمله نسل‌کشی فعالیت می‌کند و در این خصوص، به نهادها و ساز و کارهایی متوسل می‌شود. لازم است که سنجیدگی مجموعه این فعالیتها ارزیابی و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا سازمان ملل توانسته است در صورت وقوع نسل‌کشی به سازوکاری مناسب برای اجرای عدالت کیفری بین‌المللی متوسل شود یا خیر؟ بدین منظور، مطالب مورد نظر را در دو گفتار بررسی می‌کنیم:

نخست به مسأله تأسیس نهادهای قضایی صلاحیت دار و سپس به اجرای عدالت در مورد نسل کشی می پردازیم.

گفتار اول: تأسیس نهادهای قضایی صلاحیت دار

برای رسیدگی به نسل کشی دو دسته مراجع قضایی بین المللی و مختلط در سطح بین المللی تشکیل شده است. این دو دسته نهاد قضایی جداگانه بررسی می شود.

بند اول: نهادهای قضایی بین المللی

رکن اساسی سیاست جنایی قضایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی توسل به نهادهای قضایی دارای صلاحیت کیفری و حقوقی است. در این قسمت، نهادهایی که به این منظور تأسیس یا پیش بینی شده اند را بررسی می کنیم.

الف- دادگاه نورنبرگ

اگر چه «تأسیس» این دادگاه را نمی توان به ملل متحد نسبت داد اما، ملل متحد مهر تأیید خود را بر این دادگاه نهاده است؛ زیرا در قطعنامه ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶، مجمع عمومی سازمان ملل، اصول مندرج در اساسنامه و احکام دادگاه نورنبرگ، و بدین وسیله، دادگاه مزبور را، مورد تأیید قرار داده است، به طوری که می توان آن را یک نهاد قضایی بین المللی در راستای سیاست جنایی ملل متحد دانست. در اساسنامه و احکام دادگاه نورنبرگ به طور صریح به نسل کشی اشاره نشده اما در کیفرخواست دادستان از آن نام برده شده است (Kittich, 2007, p. 623). در اساسنامه این دادگاه، جرائم تعریف، نهاد مستقل قضایی ایجاد و آیین دادرسی مدون شد. محاکمات این دادگاه در توسعه حقوق بین الملل نقشی مهم داشت (Q. Barrett, 2007, p. 512) و خاستگاه نظامی جدید عدالت کیفری بین المللی و مراجع قضایی است (Kirsch, 2007, p. 501; T. King, 2007, p. 653).

ملل متحد رهبران دولت های شکست خورده را به خاطر جنایات شدید محاکمه کرد (Tomuschat, 2006, pp. 830-831). جرائم مندرج در منشور دادگاه نورنبرگ و تکیه به جرائم علیه گروه و جرائم علیه افراد تقسیم می شدند. دسته اول عنوان نسل کشی و دسته دوم عنوان جنایات علیه بشریت به خود گرفت. به همین دلیل هم مدت ها، نسل کشی در چارچوب جنایات علیه بشریت مطرح می شد و هنوز هم در قوانین برخی کشورها، نسل کشی مصداقی از جنایات علیه بشریت محسوب می شود (بیگ زاده، ۱۳۷۶، صص ۷۲-۷۱). محاکمات نورنبرگ تنها موردی است که تا پیش از تأسیس دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی در دهه ۱۹۹۰ در

مورد مرتکبان نسل کشی انجام شده و نقش به‌سزایی در تدوین کنوانسیون نسل کشی و تعریف نسل کشی ایفاء کرده است (Schaack, 1996-1997, pp. 2260-2261).

ب- دادگاه بین‌المللی موضوع کنوانسیون نسل‌کشی

با انعقاد کنوانسیون نسل‌کشی، امکان نسبی اجرای عدالت کیفری و ساز و کارهایی برای تعقیب و مجازات مرتکبان نسل کشی فراهم شد؛ زیرا بر اساس ماده ۶ این کنوانسیون، اشخاص متهم به ارتکاب نسل کشی در دادگاه کشوری که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته و یا دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف های متعاقد صلاحیت آن را پذیرفته‌اند، تعقیب و محاکمه خواهند شد. بدین ترتیب، در این ماده دو مرجع برای تعقیب قضایی مرتکبان نسل کشی پیش بینی شده: دادگاه محل وقوع جرم و دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف های متعاقد صلاحیت آن را پذیرفته باشند. با توجه به این که نسل کشی معمولاً به وسیله دولت‌ها یا با حمایت‌های آشکار و نهان یا با سکوت و رضایت تلویحی و داخل در قلمرو حاکمیت آنها صورت می‌گیرد، دل بستن به محاکمه عاملان جنایت به وسیله دولتی که خود در آن نقش دارد آرمانی دور از واقعیت است (اردبیلی، حبیب زاده و فخر بناب، ۱۳۸۵، ص ۱۲). در عین حال، دادگاه بین‌المللی موضوع ماده ۶ کنوانسیون نیز در حد یک پیش‌بینی باقی ماند و تا تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق ایجاد نشد. با توجه به این که دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نه با توافق دولت‌ها بلکه به موجب قطعنامه شورای امنیت و در اجرای مقررات فصل هفتم منشور ایجاد شده، دیوان در پاسخ به این مسأله که آیا دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق از مصادیق دادگاه بین‌المللی موضوع ماده ۶ کنوانسیون نسل کشی می‌باشد یا خیر، اعلام کرد که در چارچوب ماده ۶ کنوانسیون، مفهوم دادگاه کیفری بین‌المللی شامل همه دادگاه‌هایی است که پس از تصویب کنوانسیون نسل کشی ایجاد و برای محاکمه مرتکبان نسل کشی صلاحیت داشته باشد و نوع سند مؤسس دادگاه، مهم نیست. قید «دولت های متعاقد» در کنوانسیون نسل کشی این ابهام را ایجاد کرده که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موضوع ماده ۶ کنوانسیون حتماً باید به موجب معاهده و توافق دولت‌های ذی‌ربط ایجاد شده باشد. این در حالی است که دادگاه‌هایی که به موجب قطعنامه شورای امنیت و بر اساس فصل ۷ منشور ایجاد می‌شود مشمول این ماده بوده و قصد تدوین کنندگان کنوانسیون نیز همین بوده است (Bosn. & Herz. v. Serb. & Mont.), 2007 paras. 443-445). دیوان در بررسی این که دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مصداقی از دادگاه بین‌المللی موضوع ماده ۶ کنوانسیون تلقی می‌شود یا خیر اعلام کرد که خواننده بر اساس مفاد «توافقنامه صلح دیتون» موظف بوده با آن همکاری کند و در واقع، صلاحیت آن را پذیرفته و در انجام وظیفه

بر اساس توافقنامه یاد شده، عضویت در سازمان ملل و در اجرای تعهدات ناشی از ماده ۶ کنوانسیون کوتاهی کرده است (Bosn. & Herz. v. Serb. & Mont., para., 449).

بر اساس ماده ۸ کنوانسیون، هر یک از دولت‌های متعاقد می‌تواند از نهادهای صلاحیتدار سازمان بخواهد که طبق منشور برای جلوگیری و مجازات نسل‌کشی اقدام کند. نخستین پرسش این است که منظور از نهادهای صلاحیت دار کدام است؟ دو فرض وجود دارد: اول این که برخی ارکان سازمان از جمله شورای امنیت یا مجمع عمومی می‌توانند مرجع قضایی کیفری تاسیس کنند؛ وضعیتی که در آخر قرن ۲۰ رخ داد و شورا اقدام به تاسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی کرد. دوم این که دولت‌های متعاقد به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه و دولت ناقض را از حیث عدم پابندی به تعهد به مجازات نسل‌کشی تعقیب کنند. در دعوای بوسنی و هرزگوین، خواهان مدعی بود که خواننده تعهدات ناشی از کنوانسیون را از حیث کوتاهی در مجازات نسل‌کشی و عدم تحویل متهمان به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و عدم همکاری با آن دادگاه نقض کرده است. دیوان حکم داد که خواننده مقررات کنوانسیون از جمله ماده ۶ را از حیث عدم مجازات مرتکبان و عدم همکاری با دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نقض و در انجام تعهد مجازات نسل‌کشی کوتاهی کرده و از نظر بین‌المللی مسؤول است (Ibid., paras. 439-450). دیوان این نکته را نیز یادآوری شد که باید بین لازم الاجرا بودن تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل از یک سو و وجود مرجع صلاحیت دار برای رسیدگی به این تعهدات از سوی دیگر، تفکیک قایل شد. به رغم وجود تعهدات، چنانچه مرجع قضایی صلاحیت دار وجود نداشته باشد، نمی‌توان نقض تعهدات را بررسی کرد (Bosn. & Herz. v. Serb. & Mont., preliminary objections, judgment., paras. 147-149). اظهار نظر دیوان مبنی بر اینکه صلاحیت ندارد، اعلام کند خواننده تعهدات دیگر غیر از آنچه در این کنوانسیون آمده، نقض کرده است، ناظر بر تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی و قاعده آمره بوده و به لحاظ این که مساله تنها در قالب کنوانسیون مطرح شده لذا صلاحیت نداشته موضوع را به استناد مقررات بین‌المللی دیگر بررسی کند (Bosn. & Herz. v. Serb. & Mont., para. 447).

ج- دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا

۱- دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

در اکتبر سال ۱۹۹۳ در پی درگیری در بوسنی و هرزگوین، شورای امنیت با تصویب قطعنامه شماره ۷۸۰ مقرر کرد که کمیسیونی برای بررسی نقض شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی تشکیل شود. این کمیسیون توصیه کرد دادگاهی تشکیل و مرتکبان جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی در آن تعقیب و مجازات شوند. شورا این

وضعیت را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و تاسیس دادگاه کیفری بین‌المللی را ضروری تشخیص داد تا با تعقیب مسئولان نقض جدی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، صلح در منطقه اعاده شود. بنابراین، بر اساس اختیارات ناشی از فصل هفتم منشور، اساسنامه این دادگاه را تصویب کرد (Doc.N.U.S/RES/827, 1993). تاکنون، شمار زیادی از متهمان در این دادگاه تعقیب و محکوم شده‌اند (Lettre datée du 12 novembre 2009). این دادگاه در بازدارندگی از جرائم مؤثر بوده، اما نظام قضایی کامل و دادگاه عالی ندارد که بر آن نظارت کند و به همکاری نهادهای دیگر مانند دولتها و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل نیاز دارد. با توجه به سیاسی بودن «توافقنامه صلح دیتون» بسیاری از مرتکبان تعقیب نشده و همین طور بسیاری از قربانیان بی‌خانمان و آواره شده‌اند (M. Wald, 2001, pp. 113-116). رسیدگی در این دادگاه به دلایل مختلف کند بوده است (Lettre datée du 12 novembre 2009).

دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق با از بین بردن فرهنگ بی‌کیفری و تحمیل مسئولیت کیفری بر متهم، از انکار حقیقت جلوگیری کرده است و در نتیجه به عنوان نهاد حقیقت یاب مؤثر و مرجع اعلام محکومیت مرتکبان نقشی مهم بر عهده داشته (Feinberg, 2006, pp. 97-98) و فرصتی را فراهم کرده است تا قربانیان در جریان تحقیقات سرگذشت خود را بیان و بدین ترتیب در اجرای عدالت و جبران خسارت‌های خود مشارکت کنند. مجموعه این اقدامات موجب شده که بستر لازم برای صلح از طریق اعمال عدالت و آشتی فراهم شود. دستاوردها و تاثیرات این دادگاه فراتر از مسائل حقوقی مطرح در دادگاه بوده و به عنوان نهاد قضایی فعال در زمینه ایجاد سوابق قضایی برای جامعه بین‌المللی و الگوی دادگاه‌های دیگر شناخته شده و نهاد حقوقی جدید و مستقل و دارای ویژگی‌های نظام حقوقی تفتیشی و اتهامی است که برنامه‌هایی برای مشاوره به قربانیان و شهود ارائه و از آنان در برابر آسیب و تهدید حمایت می‌کند و بازیگر عمده در کمک به حقوق کیفری است (Feinberg, 2006, pp. 101-105).

۲- دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا

در سال ۱۹۹۴ به دنبال کشتار قوم توتسی در رواندا، یکی از خشن‌ترین موارد نسل‌کشی شکل گرفت و در نتیجه آن، بیش از نیم میلیون نفر کشته شدند. در اوّل ژوئیه ۱۹۹۴، شورای امنیت در واکنش به این فاجعه انسانی، قطعنامه‌ای را تصویب و مقرر کرد کمیسیونی برای بررسی نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و نسل‌کشی تشکیل شود. این کمیسیون اعلام کرد دلایل کافی مبنی بر ارتکاب نسل‌کشی و نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی وجود دارد. در نوامبر ۱۹۹۴ شورا به موجب قطعنامه ۹۵۵ و بر اساس مقررات فصل هفتم منشور وضعیت را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تشخیص داد و در اجرای مقررات

فصل مزبور و ماده ۲۹ آن، دادگاهی کیفری بین‌المللی برای تعقیب و مجازات مسئولان نقض شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و نسل‌کشی تاسیس کرد. هدف از تاسیس این دادگاه پایان دادن به این جرائم و اتخاذ تدابیر موثر برای سپردن مرتکبان این جرائم به عدالت بوده و اینگونه تشخیص داد که تعقیب مسئولان این جرائم موجب دستیابی به این اهداف و آشتی ملی و اعاده صلح و امنیت می‌شود. همچنین تاسیس دادگاه و تعقیب مرتکبان تضمین می‌کند که از این جرائم جلوگیری و زیان وارده به قربانیان جبران شود (مقدمه قطعنامه ۹۵۵).

با این که سازمان ملل همه دستاوردهای حقوق بین‌الملل را برای اجرای عدالت در اساسنامه دادگاه رواندا مد نظر قرار داده است (Maina Peter, p. 745)؛ اما این دادگاه با مشکلاتی رو به رو شده و دولت رواندا با تاسیس این دادگاه به مخالف برخاسته است. حتی گفته شده که دول متبوع برخی از قضات شاغل در این دادگاه به نحوی در این جنگ مداخله کرده‌اند و در نتیجه نمی‌توانند به طور کامل بی طرفی را رعایت کنند (UN Doc. S/PV.3453). محکوم علیه مجازات را در خارج از رواندا تحمل می‌کنند. از این رو، به نظر رواندا، این دادگاه کارآمد و پاسخگوی خواسته‌های قربانیان نیست (Maina Peter, p. 748). این دادگاه برای پایان دادن به فرهنگ بی‌کیفری و تعقیب مرتکبان نقش اساسی دارد و موضوع ایجاد دادگاه حقوق بشر در قاره آفریقا را دوباره مطرح کرده است. در حالی که مدت‌ها چنین استدلال می‌شد که «کمسیون حقوق بشر و ملت» تضمین کافی دارد و نیازی به تاسیس دادگاه نیست، ارتکاب اینگونه جرائم نشان داد که ایجاد این دادگاه در سطح قاره آفریقا گامی مثبت است (Maina Peter, pp. 750). اما تحقق هدف آشتی گروه‌های درگیر، سخت است. این نهاد برای دولت رواندا پر هزینه بوده و زندانیان بسیار زیادی در زندان‌های این کشور حبس شدند و توجهی به بازماندگان این فاجعه انسانی نشد (Rapport Afrique, 2001). صندوق جبران خسارت بازماندگان فاجعه ایجاد نشده و ضمانت اجرایی برای همکاری دولتها مخصوصاً در بعد معاضدت‌های قضایی وجود ندارد. این در حالی است که شورا می‌توانست به دولتها اختیار دهد در مورد مرتکبان نسل‌کشی رواندا صلاحیت جهانی خود را اعمال کنند. از این رو، سیاست قضایی سازمان با اهداف مورد نظر ناسازگار است.

به رغم ایرادات این دادگاه، رویه قضایی آن با تأیید ارزش عرفی ویژگی جنایی نسل‌کشی، عنصر قانونی آن را تثبیت کرده است. در سال ۱۹۹۸ این دادگاه، نخستین حکم نسل‌کشی را در پرونده «آکایسو» صادر کرد. با توجه به این که کنوانسیون در طول ۵۰ سال از عمر خود اجرا نشده بود، لذا صدور این رأی اقدامی ارزشمند است. برخی از صاحب نظران، با ارزیابی مثبت این دو نهاد، بر این باورند که باید هر دوی این دادگاهها به نهاد قضایی مناسب تبدیل شده و جامعه بین‌المللی هر دو را از نظر مالی حمایت کرده و هر دو مرجع، چالش‌های

عملیاتی مهم را پشت سر گذاشته و نشان داده‌اند که می‌توانند محاکمات عادلانه را انجام دهند. معیار مهم دیگر برای ارزیابی کارآمدی این دو نهاد موفقیت در ایجاد صلح و آشتی است. این دادگاهها در برقراری آشتی بین اقوام و پاسخگویی کیفری نقشی بسزا داشته‌اند، به گونه‌ای که رهبران سیاسی ملی‌گرا و دیگر نیروهای دخیل در نسل‌کشی به حاشیه رانده شدند و از انتقامجویی گروه‌های زیان‌دیده جلوگیری و عدالت کیفری به عنصر مهم بین‌المللی تبدیل شد و نیروهای سیاسی میانه‌رو و مدافع هم‌زیستی چند قومی مسالمت‌آمیز، حاکم شدند. میلوشوچ مشروعیت خود را از دست داد و افکار عمومی خواستار تعقیب وی شد. در کوزوو از انتقام ارتش آزادبخش کوزوو جلوگیری شد. در کرواسی همکاری با این دادگاه موجب تسهیل انسجام بین‌المللی، بی‌اعتباری عناصر افراطی و تشویق نیروهای سیاسی لیبرال برای آغاز تعقیبات کیفری تکمیلی جنایات جنگی در دادگاه‌های ملی شد. این دادگاه از قوت گرفتن مجدد رهبران افراطی هوتو در خارج جلوگیری و فرهنگ پاسخگویی کیفری را تثبیت کرد. این دادگاهها در تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان نظام عدالت کیفری بین‌المللی مؤثر بوده و حتی پاسخگویی را به دادگاه‌های مختلط مانند تیمور شرقی و سیرالئون نیز تسری داد (Akhavan, 2001, pp. 8-9).

د- دیوان کیفری بین‌المللی

وجود یک ساز و کار دائمی برای مجازات ناقضان حقوق بین‌الملل و حفظ صلح و امنیت بشری مستلزم همکاری بین‌المللی و تاسیس دادگاه کیفری بین‌المللی است. در همین راستا، دیوان کیفری بین‌المللی به موجب کنوانسیون رم در سال ۱۹۹۸ ایجاد و از اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ رسماً تشکیل شد. انتظار می‌رفت جامعه بین‌المللی با در نظر گرفتن همه تحولات و دستاوردها، ساز و کاری ایجاد کند که برای رسیدگی به نسل‌کشی صلاحیت جهانی داشته باشد؛ اما این موضوع در اساسنامه دیوان رد شد (شریعت باقری، ۱۳۸۸، صص ۹۷-۱۰۰). اکنون، دیوان تحت شرایط خاص صلاحیت دارد به مهم‌ترین جرائم مایه‌نگرانی جامعه بین‌المللی از جمله نسل‌کشی، رسیدگی کند (مواده ۶ و ۷ اساسنامه دیوان). در اساسنامه دیوان برای رسیدگی به نسل‌کشی صلاحیت تکمیلی پیش‌بینی شده و نه صلاحیت جهانی و این یکی از ایرادات اساسی اساسنامه است. این نارسایی شکافی بزرگ میان بعد تقنینی سیاست جنایی سازمان در مبارزه با نسل‌کشی و سیاست جنایی قضایی ایجاد کرده است. اگر چه دیوان نهاد مستقل قضایی و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است اما با توجه به ارتباط میان این نهاد و سازمان و مخصوصاً شورای امنیت، این شورا می‌تواند برخی موارد را به دیوان ارجاع دهد. در این

صورت، رسیدگی دیوان تابع شرایط و محدودیت‌های دیگر نخواهد بود و عملکرد شورای امنیت می‌تواند بخشی از این نارسایی را جبران کند.

ه- دیوان بین‌المللی دادگستری

سازمان ملل متحد از طریق مراجع قضایی حقوقی بین‌المللی نیز سیاست جنایی مبارزه با نسل‌کشی را دنبال می‌کند. در این میان، نقش دیوان بین‌المللی دادگستری بسیار برجسته است. دیوان به عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد، دارای صلاحیت معینی است اما بر اساس مقررات منشور و اساسنامه خود اجابت‌کننده اقتضائات مقابله با جرائم بین‌المللی (زمانی، ۱۳۸۲-۱۳۸۱، ص ۶۳) از جمله نسل‌کشی نیست و به طور کلی، محدودیت‌های دیوان مانع ایفای نقش بنیادین در سیاست جنایی مبارزه با نسل‌کشی است. این مرجع بر خلاف مراجع قضایی کیفری تنها صلاحیت حقوقی دارد و در شرایط خاص می‌تواند به اختلافات دولتها رسیدگی کند، اما مکمل سیاست جنایی مبارزه با نسل‌کشی است، بدین ترتیب که «کنوانسیون نسل‌کشی» ارتباطی تنگاتنگ میان سازمان و مساله سیاست جنایی مبارزه با نسل‌کشی فراهم آورده است. به موجب مقررات ماده ۹ این کنوانسیون، اختلافات طرفین متعاقد در ارتباط با تفسیر، اعمال یا اجرای این کنوانسیون، از جمله اختلافات مربوط به مسؤولیت یک دولت به خاطر نسل‌کشی، به این دیوان ارجاع می‌شود. در این راستا، تاکنون چندین پرونده در دیوان مطرح و رسیدگی شده است. نخستین مورد آن، رای مشورتی دیوان در ارتباط با حق شرط راجع به «کنوانسیون نسل‌کشی» است که در آن، دیوان امره بودن ممنوعیت نسل‌کشی را تایید کرد. این تصمیم دیوان، دستاوردی بسیار مهم در سیاست جنایی مبارزه با نسل‌کشی است. رای سال ۲۰۰۷ دیوان در دعوی دولت بوسنی و هرزگوین علیه یوگسلاوی سابق و دعوی کرواسی علیه یوگسلاوی سابق که هم‌اکنون در دیوان تحت رسیدگی است، مساله را بیشتر در کانون توجه جامعه بین‌المللی قرار داده و بنوعی به مقررات کنوانسیون حیاتی جدید بخشیده است. پیش‌بینی دیوان به عنوان مرجعی برای رسیدگی به نقض تعهدات دولتها در بعد نسل‌کشی، تضمینی دیگر برای اجرای عدالت در قلمرو مبارزه با بی‌کیفری در زمینه نسل‌کشی است. از این رو، اگر چه نسل‌کشی یکی از شدیدترین جرائم بین‌المللی است؛ ولی از طریق مرجع حقوقی نیز می‌توان سیاست جنایی قضایی متناسب با آن اتخاذ کرد. طرح پرونده‌های حقوقی فرصت بسیار خوبی برای توسعه و تبیین قواعد حقوقی حاکم بر مساله نسل‌کشی بوده اما احتیاط بیش از اندازه دیوان به ویژه در پرونده بوسنی و هرزگوین، به مقتضیات نسل‌کشی پاسخی مناسب نداده است. حتی، برخی دستاوردهای حقوق بین‌المللی کیفری در این رای دیوان نادیده گرفته شده که به عنوان نمونه می‌توان عدول از معیار «کنترل کلی» و استناد به

معیار «کنترل موثر» در مساله مسئولیت بین‌المللی اشاره کرد. معیار «کنترل کلی» بوسیله شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده «تادیچ» تایید شده بود (H.F. Bekker, 2007).

بند دوم: نهادهای قضایی مختلط

این نهادها با مشارکت سازمان ملل متحد و دولت‌های ذی‌ربط و مرکب از قضات ملی و بین‌المللی تشکیل می‌شود و مستند احکامشان هم حقوق داخلی و بین‌المللی است. تاکنون، چند دادگاه به همین عنوان تشکیل شده که در این میان، دادگاه کامبوج صلاحیت رسیدگی به نسل‌کشی را دارد و تحت عنوان شعب فوق‌العاده آغاز به کار کرده است (Van Schaack, 2010). در دسامبر ۱۹۹۷ مجمع عمومی برای رسیدگی به قتل عام در کامبوج، به موجب قطعنامه ۵۲/۱۳۵ از دبیرکل خواست امکان انتخاب گروهی از کارشناسان را بررسی تا دلایل و مدارک موجود برای تعیین ماهیت جرائم ارتكابی را مشخص و اقدامات لازم برای آشتی ملی، تقویت دموکراسی و مسئولیت کیفری فردی را پیشنهاد کند (A/Res/52/135, 1997, para. 16). فوریه ۱۹۹۹ گروه تعیین شده گزارش خود را به دبیرکل و دولت کامبوج ارائه و اعلام کرد که خمرهای سرخ مرتکب نسل‌کشی و دیگر جرائم بین‌المللی شده‌اند و دولت می‌تواند متهمان را دستگیر کند. طبق این گزارش، گزینه‌های قانونی برای تشکیل دادگاه عبارت بودند از: تاسیس دادگاه بر اساس قانون کامبوج، تاسیس دادگاه اختصاصی بوسیله شورای امنیت، تاسیس دادگاه مختلط، تاسیس دادگاه بین‌المللی به موجب معاهده و محاکمه متهمان بوسیله دولت‌های ذی‌ربط. سرانجام، گروه پیشنهاد داد که دادگاه اختصاصی برای محاکمه متهمان جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی تاسیس شود (Report of the Group of Experts 52/135, paras. 122-219).

در سال ۲۰۰۳، مجمع عمومی «توافقنامه میان سازمان و دولت کامبوج» را تصویب کرد و از دبیرکل و دولت کامبوج خواست تا تدابیر لازم را برای اجرای توافقنامه اتخاذ کنند (A/RES/57/228B, paras. 1,2 and 3). این دادگاه صلاحیت رسیدگی به نسل‌کشی و برخی از جرائم دیگر را دارد. قضات دادگاه ترکیبی از قضات ملی و بین‌المللی است و قضات بین‌المللی از میان فهرست معرفی شده از طرف دبیرکل سازمان ملل توسط شورای عالی قضایی انتخاب می‌شوند (ماده ۳). رئیس شعبه از بین فهرست داوطلبانی که دبیرکل ارائه می‌کند یک یا چند نفر را به عنوان قاضی علی‌البدل انتخاب می‌کند (ماده ۳). دو قاضی تحقیق یکی از کامبوج و دیگری از قضات بین‌المللی به عنوان قضات تحقیق مشترک فعالیت می‌کنند.

گفتار دوّم: اجرای عدالت در مورد نسل‌کشی

مولفه دوّم رویکرد قضایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی اجرای عدالت است که در بستر نهادهای قضایی مناسب صورت می‌گیرد و وجود این نهادها، شرط لازم برای تحقق عدالت است. مبارزه با نسل کشی، با اجرای عدالت کیفری و مسؤولیت بین‌المللی دولتها محقق می‌شود.

بند اوّل: عدالت کیفری

امنیت و عدالت دو ارزش والا در حقوق (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۶) و عدالت والاترین ارزش و گوهری گرانبها در راه تحقق حقوق بشر است که اگر رخت برنندد، هیچ ارزشی در جهان برای زندگی انسان باقی نمی‌ماند (شیری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۹). عدالت کیفری مفهومی شناخته شده در ادبیات حقوقی است. رایج ترین الگوی عدالت کیفری، سزادهی یعنی تکیه بر این است که بزهکار مستحق کیفر است. در مقابل، الگوی ترمیمی به عنوان الگوی نوین عدالت کیفری ظهور کرده که در آن به جای تنبیه بزهکار به جبران آسیب های ناشی از بزه و نیازهای بزه دیده توجه می‌شود. طرفداران الگوی عدالت ترمیمی بر این باورند که الگوی سزادهی در مبارزه با بزه شکست خورده و برای پیشگیری از آن باید الگویی جدید پیشنهاد شود (همان، صص ۲۱۵-۲۱۳). عدالت کیفری، محور رویکرد قضایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی و مستلزم مجازات مرتکبان نسل کشی، حمایت از زیان دیدگان از نسل کشی و برقراری صلح و امنیت است.

الف - تعقیب مرتکبان نسل‌کشی

تنبیه مرتکب، اساس عدالت کیفری است. در این الگو، بزهکار مستحق کیفر است (شیری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸). در اصل مسؤولیت کیفری فردی، اهداف مهم پیشگیری از جرم و برقراری صلح دنبال می‌شود و به صراحت در ماده ۶ منشور دادگاه نورنبرگ تأیید شده است (Tomuscha, 2006, pp. 838-840). کمیسیون حقوق بین‌الملل این اصل را در تدوین اصول نورنبرگ و طرح جرائم علیه صلح و امنیت بشری تأیید و اعلام کرد که اصل مسؤولیت فردی و مجازات مرتکبان جرائم بین‌المللی پایه حقوق بین‌الملل کیفری و میراث ماندگار منشور و حکم این دادگاه است که به ممنوعیت جرائم بین‌المللی حیاتی تازه بخشیده است. این اصل در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (بند ۱ ماده ۷ و بند ۱ ماده ۲۳ اساسنامه)، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواند (بند ۱ ماده ۶ و بند ۱ ماده ۲۲ اساسنامه)؛ پیش نویس طرح جرائم علیه صلح و امنیت بشری (بند ۱ ماده ۲)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (ماده ۲۵ اساسنامه) و ماده ۱ توافقنامه دادگاه کامبوج تأیید شده است. مسؤولیت کیفری ناظر به اشخاص حقیقی است. اسباب

مسئولیت فردی به لحاظ نسل کشی مشخص شده (Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, op. cit., pp. 18-19, paras. 4-6) و افراد موظف به رعایت قواعد ذی ربط حقوق بین‌الملل هستند. دستور ارتکاب نسل کشی، کوتاهی در پیشگیری یا مجازات مرتکبان آن، معاونت، تحریک آشکار و مستقیم به ارتکاب جرم و شروع به ارتکاب و عملیات اجرایی نیز مواردی است که موجب مسئولیت کیفری فرد می‌شود و در همه مقررات بین‌المللی مربوط به نسل کشی پیش بینی شده است. سمت رسمی فرد تأثیری در معافیّت کیفری ندارد (مواد ۲۷ و ۲۸ اساسنامه دیوان).

یکی از سازوکارهای لازم برای اعلام مسئولیت کیفری در بعد نسل کشی، اعمال صلاحیت جهانی است. لازم است با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و تقویت همکاری بین‌المللی تعقیب موثر مرتکبان آن تضمین شود. در اکتبر ۲۰۰۹، اجرای اصل صلاحیت جهانی در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت. اظهار نظر نمایندگان دولتها نشان داد که در خصوص ضرورت وجودی این اصل به عنوان ابزار مهم اجرای عدالت کیفری و پایان دادن به بی کیفری در خصوص جرائم شدید بین‌المللی از جمله نسل کشی اتفاق نظر هست اما محتوا، قلمرو و تعریف آن هنوز مبهم است. برای همین، مجمع عمومی قطعنامه‌ای را تصویب و مقرر کرد دولتها ملاحظات خود را در مورد این مسأله از جمله قواعد حقوق داخلی و رویه عملی دادگاه‌های خود ارائه کنند (A/RES/64/117, paras. 1-3). با این اقدام، یکی از نارسایی‌های اساسی در سیاست جنایی سازمان برای مبارزه با نسل کشی و بی کیفری رفع و گام اساسی در جهت مبارزه کارآمد با آن بر داشته می‌شود.

ب- حمایت از زیان دیدگان

به رغم این که قربانیان بیش از همه از وقوع جرم آسیب دیده‌اند اما مدتها، حقوق و منافع آنها در نظام عدالت کیفری مورد توجه نبوده است. از این رو، تحقیقات در این باره ضرورت بهبود حمایت از قربانیان در فرآیند کیفری را مسلّم کرد و در پرتو این تحقیقات، دانشی جدید در حوزه حقوق کیفری تحت عنوان بزه دیده شناسی شکل گرفت (Ottenhof, 2008). در پی تلاش‌های ملل متحد، «اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت و نیز کتاب راهنمای عدالت برای قربانیان» تنظیم و منتشر شد. این دو سند موجب شد که دولتها در زمینه توجه به حقوق بزه دیده از اندیشه به عمل روی آورند. البته میزان توسعه یافتگی دولتها در میزان و روند اجرای این سند موثر بود و هر دولتی متناسب با میزان توسعه یافتگی خود نسبت به اجرای این هنجارها مبادرت کرده است (P. J. Dussich, 2008). تصویب اعلامیه مزبور تحوّل اساسی در زمینه تبیین جایگاه بزه دیده و حقوق آن در فرایند دادرسی

کیفری و در حقیقت، نوعی توازن در حقوق متهم و بزه دیده در این فرایند ایجاد کرد. اگر چه این اعلامیه رهنمود اساسی برای جامعه بشری، دولتها و نهادهای قضایی بین‌المللی است اما در حد سند کاملاً الزام آور برای دولت ها نبوده و این نارسایی بسیار مهم و نیازمند گام اساسی دیگر برای تبدیل آن به قواعد الزام آور است. برای عملی کردن محتوای اعلامیه نیاز به نظارت بر اجرای تعهدات و تعیین ضمانت اجراست. جامعه جهانی بزه دیده شناسی در صدد است برای حمایت از حقوق قربانیان، کنوانسیون راجع به عدالت و حمایت از قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت و تروریسم تصویب شود (P. J. Dussich, 2008). در نتیجه، در قلمرو حقوق کیفری این باور ایجاد شد که بزه دیده نیز از بازیگران فرایند کیفری است و باید جایگاهی خاص داشته باشد. اگر در فرایند دادرسی کیفری، بزهکار از این حیث مورد توجه قرار می‌گیرد که به قربانیان آسیب وارد و نظم جامعه را مختل کرده باید پذیرفت که این بزه دیده است که آسیب دیده است و اگر بنا باشد که عدالت برقرار شود باید همه این مولفه‌ها را در نظر گرفت. قبلاً، جامعه به عنوان مدعی العموم نظام دادرسی، تعقیب و مجازات متهم را حق انحصاری خود می‌دانست. اما اکنون قربانیان علاوه بر برخورداری از حمایت‌های قانونی، می‌توانند به نظام عدالت کیفری مراجعه، دادخواهی و حقوق خود را استیفاء کنند. این موضوع به دقت در مورد قربانیان جرائم مشمول صلاحیت دیوان از جمله نسل کشی مورد توجه سازمان قرار گرفته و اکنون، قربانیان در اسناد بین‌المللی جایگاهی خاص در نظام عدالت کیفری دارند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جایگاه قربانیان جرائم بین‌المللی از جمله نسل کشی را به بهترین وجه مطرح کرده است.^۱

ج- رعایت اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری

در آیین دادرسی کیفری بر حفظ منافع جامعه و حقوق متهم و ملاحظه مقتضیات آن دو تاکید می‌شود. در پرتو چنین اندیشه‌هایی، تحولاتی در ابعاد پیشگیری از جرم و توجه به بازگشت دوباره بزهکار به جامعه ایجاد شده است (خرانی، ۱۳۶۵، صص ۷۰-۶۹). در همین راستا، این سوال مطرح است که اگر با وجود شرایط لازم برای تعقیب کیفری، مقام تعقیب کننده تشخیص دهد که تعقیب کیفری منفعتی برای جامعه ندارد آیا مصلحت اقتضا نمی‌کند که از تعقیب کیفری صرف نظر شود؟ در پاسخ به این مساله دو نظریه قانونی بودن و موقعیت داشتن تعقیب کیفری مطرح شده است (خالقی، ۱۳۸۹، ۳۷). این موضوع به عرصه جرائم بین‌المللی و نسل کشی نیز تسری پیدا کرده و این مساله مطرح است که به رغم توجه جلدی به حقوق بزهکاران و بزه

۱. مواد ۱۷ تا ۱۹، ۶۸، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۹۳ تا ۹۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مواد ۱۶ تا ۱۹ و ۹۴ تا ۹۹ آیین دادرسی و ادله دیوان.

دیدگان نسل کشی، عدالت بین‌المللی به طور کامل تضمین نمی‌شود. شرط لازم تحقق عدالت کیفری، تامین صلح و امنیت بین‌المللی است. کیفر بزه‌کار و جبران زیان بزه دیده تنها بخشی از عدالت کیفری است و فرآیند دادرسی باید نظم عمومی در جامعه و آشتی میان بزه‌کاران و بزه دیدگان را تامین کند. در اسناد مربوط به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به این مساله تصریح شده که یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی در تاسیس مراجع قضایی برای رسیدگی به نسل کشی این است که این‌گونه جرائم، صلح و امنیت جهان را تهدید و مختل می‌کند و در نتیجه، تاسیس این مراجع باید صلح و امنیت مختل شده را اعاده و عدالت بین‌المللی را تامین کند.

موقعیت سنجی تعقیب کیفری در ماده ۵۳ اساسنامه دیوان کیفری مورد توجه قرار گرفته و تصریح شده که دادستان موظف است پس از بررسی و ارزیابی اطلاعات، تحقیقات را آغاز کند مگر اینکه تشخیص دهد مطابق اساسنامه دلایل قانع کننده برای اقدام وجود ندارد. دادستان برای اتخاذ تصمیم باید مواردی را مد نظر داشته باشد؛ از جمله اینکه به رغم اهمیت جرم و منافع بزه دیدگان، دلایل مقتضی وجود دارد که شروع به تحقیق در راستای عدالت نیست. در این صورت باید شعبه مقدماتی را از تصمیم خود مطلع سازد و اگر دادستان در جریان رسیدگی به این نتیجه برسد که رسیدگی به موضوع با لحاظ تمامی جوانب امر از جمله اهمیت جرم ارتكابی، منافع بزه دیدگان، سن و ناتوانی متهمین و نقش آنان در ارتكاب جرم در راستای تامین عدالت نیست، باید حسب مورد شعبه مقدماتی و یا دولت ارجاع دهنده و یا شورای امنیت را از تصمیم خود و جهات توجیهی آگاه سازد (جزء (ج) بند ۱ و جزء (ج) بند ۲ از ماده ۵۳ اساسنامه دیوان).

در دادگاه کامبوج این مساله مطرح شد که اگر تعقیب افراد متهم به ارتكاب نسل کشی موجب لطمه به آشتی ملی شود چه اتفاقی می‌افتد. برای نخستین بار، دادستان‌های بین‌المللی به طور همزمان حق صلاحدید خود را در مورد موقعیت داشتن تعقیب کیفری اعمال کردند. در سپتامبر ۲۰۰۹، شعبه مقدماتی دادگاه کامبوج این مساله را بررسی کرد که آیا این وضعیت به یکپارچگی عدالت کیفری بین‌المللی لطمه نمی‌زند. منشاء اختلاف این بود که دادگاه کامبوج، مسئول تعقیب مقامات ارشد کامبوج و کسانی است که بیشترین مسئولیت را در ارتكاب جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کامبوج دارند. دادستان‌های ملی و بین‌المللی بر اساس مقررات آئین دادرسی این دادگاه، به طور مشترک مسئولیت دارند تعقیبات قضایی را انجام دهند و هر گاه دلایل قانع کننده مبنی بر وقوع جرائم مشمول صلاحیت دادگاه وجود داشته باشد، باید با ارجاع موضوع به «دفتر قضات تحقیق مشترک» تحقیقات قضایی را آغاز کنند. قضات تحقیق مشترک بر اساس این ارجاع تحقیقات قضایی را شروع و پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی،

قرار منع تعقیب یا مجرمیت صادر می‌کنند. در این اختلاف، نظر دادستان بین‌المللی این بوده که علاوه بر پنج متهم اصلی، افراد دیگر نیز تعقیب شوند. اما دادستان ملی بنا بر این که تعقیب جدید به آشتی و ثبات ملی لطمه می‌زند و امکانات و زمان دادگاه نیز فرصت تعقیب بیشتر را نمی‌دهد و حتی محاکمات جاری را نیز به خطر می‌اندازد و امکان دارد که طرفداران خمرهای سرخ مرتکب خشونت و جرائم شوند و یا برخی از شهود آنها ممکن است از ترس تعقیب از حضور برای ادای شهادت خوداری کنند، با نظر دادستان بین‌المللی مخالفت کرد. بین قضات شعبه مقدماتی نیز اختلاف وجود داشت؛ به گونه‌ای که قضات ملی موافق نظر دادستان ملی و قضات بین‌المللی موافق نظر دادستان بین‌المللی بودند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تنها سند بین‌المللی است که به طور صریح به دادستان اجازه داده بر اساس عدالت در مورد تعقیب و تحقیق قضایی تصمیم بگیرد. اگر چه، نیاز به آشتی ملی و دیگر ساز و کارهای عدالت به طور حتم در تفسیر احتمالی این مأموریت تأیید شده است، اما دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به صراحت اعلام کرده که صرفاً ملاحظات سیاسی در این مورد تعیین کننده نیست. به علاوه هیچ راهنمای صریح در اساسنامه وجود ندارد در مورد این که چگونه دادستان بین ضرورت تعقیب در برابر منافع عدالت توازن برقرار کند. در هر حال، اگر چه این مرجع قضایی نخواستار یا نتوانسته در این مورد به طور دقیق بررسی کند اما دادگاه‌های کیفری بین‌المللی همچون دیوان کیفری بین‌المللی این قضیه را بررسی خواهد کرد. بر اساس مقررات اساسنامه رم، مساله موقعیت داشتن تعقیب کیفری در همه مراحل دادرسی مربوط به نسل کشی پیش بینی شده است. به نظر می‌رسد وجود چنین نهاد حقوقی برای اجرای عدالت واقعی ضروری است لیکن، باید ضابطه مند باشد تا از هر گونه تبعیض و سوء استفاده‌های احتمالی نهادهای ذی ربط سازمان و دیوان پرهیز شود.

بند دوم: مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

رویکرد قضایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی متضمن اجرای عدالت بین‌المللی است. ضرورت حفظ نظم عمومی بین‌المللی ایجاب می‌کند که دولت‌ها در قبال برخی فعل‌ها و ترک فعل‌ها مسئول باشند (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۷۷، ص ۲۱). در پرتو اعمال مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها در مورد نسل کشی، نظم و امنیت بین‌المللی اعاده می‌شود. دو گانگی مسوولیت در قبال ارتکاب نسل کشی یعنی مسوولیت فردی و مسوولیت دولت‌ها به صراحت در اسناد بین‌المللی مربوط به نسل کشی قید شده است.^۱ بنابراین، این مساله اساسی مطرح است که چگونه

۱. بند ۱ و ۴ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مورد مسوولیت کیفری فردی و عدم تأثیر هیچ کدام از مقررات مربوط به مسوولیت کیفری افراد بر مسوولیت دولت‌ها. هم چنین ماده ۴ و ۵ کنوانسیون نسل کشی متضمن مجازات اشخاص

می‌توان در قلمرو سیاست جنایی مبارزه با نسل‌کشی، موضوع مسئولیت بین‌المللی دولتها را مطرح کرد. منشاء و نظام مسئولیت بین‌المللی دولتها در این زمینه چیست؟

الف- منشاء مسئولیت بین‌المللی

فعل و ترک فعل‌های ناقض تعهدات بین‌المللی، منشاء مسئولیت بین‌المللی دولتهاست. بر این اساس، مسئولیت بین‌المللی دولتها بر تعهدات بین‌المللی و این که حقوق بین‌الملل فعل یا ترک فعل دولت را تا چه اندازه مشروع یا نادرست بداند، مبتنی است (همان، ص ۲۱). دولتها در زمینه نسل‌کشی چه تعهداتی دارند و چگونه نقض این تعهدات به دولتها قابل انتساب است؟

۱- نقض تعهدات بین‌المللی مربوط به نسل‌کشی

بر اساس قاعده کلی حقوق بین‌الملل، عمل نادرست یک دولت از نظر بین‌المللی، متضمن مسئولیت بین‌المللی آن است. بر این اساس، در زمینه نسل‌کشی چند عنصر تعیین‌کننده است؛ نخست اینکه دولتها در زمینه نسل‌کشی تعهد بین‌المللی داشته باشند؛ دوم اینکه این تعهد نقض شود و سوم اینکه نقض قابل انتساب به دولت باشد (همان، صص ۴۸-۳۴). بنابراین، این مساله مطرح است که دولتها در زمینه نسل‌کشی چه تعهداتی دارند و سازمان ملل راجع به این موضوع چه ساز و کارهای قضایی تعیین کرده است تا در راستای اجرای عدالت بتوان با نسل‌کشی مبارزه کرد.

مجموعه اقدامات سازمان، ممنوعیت نسل‌کشی را تا حد قاعده عرفی و آمره حقوق بین‌الملل شناسایی کرده و دولتها بدون تعهدات قراردادی نیز متعهد به رعایت این قاعده هستند. در عین حال، تعهداتی در اسناد بین‌المللی برای دولتها پیش‌بینی شده و این بدان معناست که در حقوق بین‌الملل، تعهدات حقوقی دولتها راجع به نسل‌کشی منشاء مختلف دارد؛ مانند معاهدات بین‌المللی، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل و آراء دیوان بین‌المللی دادگستری (همان، ص ۹۲). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی و هرزوگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو تعهدات دولتها در قبال نسل‌کشی را در قالب کنوانسیون نسل‌کشی تحلیل و تصریح کرد که مقررات کنوانسیون تعهداتی بر دولتها تحمیل کرده که در صورت نقض، ممکن است مسئول شناخته شوند (Bosn. & Herz. v. Serb. & Mont., paras.155-179). موارد زیر از جمله این تعهدات است:

حقیقی است. در عین حال، ماده ۹ این کنوانسیون به مسئولیت بین‌المللی دولتها در ارتباط با مقررات کنوانسیون تصریح کرده است. هم‌چنین، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارتباط با طرح پیش‌نویس جرائم علیه صلح و امنیت بشری تصریح نموده که این واقعیت که قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری مسئولیت کیفری افراد مرتکب این جرائم را مقرر نموده لطمه‌ای به مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل ندارد.

۱-۱. تعهد به اینکه از نسل‌کشی پیشگیری و مرتکبین آن را مجازات کنند. دیوان با استناد به سوابق موضوع از جمله قطعنامه‌های پیش از تصویب کنوانسیون نسل‌کشی، رای سال ۱۹۵۱ خود در قضیه حق شرط بر این کنوانسیون و دیگر احکام ذی ربط خود تصریح کرد که دولتها با تایید این مساله، الزامات ناشی از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی و آمره بودن قاعده ممنوعیت نسل‌کشی در حقوق بین‌الملل را پذیرفته‌اند. دیوان بر تفکیک دو مساله پیشگیری از نسل‌کشی و مجازات مرتکبان آن به عنوان دو تعهد مستقل تاکید و دولت خوانده را به دلیل کوتاهی در پیشگیری از نسل‌کشی و عدم تعقیب و مجازات مرتکبان آن که در قالب عدم همکاری با دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نمود داشته است، محکوم شناخت (Ibid, para 160).

۱-۲. تعهد به اینکه طبق قوانین اساسی خود تدابیر قانونی لازم برای اجرای مقررات این قرارداد اتخاذ و کیفرهای مؤثر درباره مرتکبان نسل‌کشی یا یکی از اعمال مشروحه در ماده ۳ را مقرر دارند.

۱-۳. تعهد به تعقیب قضایی اشخاص متهم به ارتکاب نسل‌کشی در دادگاه‌های صلاحیت دار محل وقوع جرم و یا دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد صلاحیت آن را پذیرفته باشند (ماده ۶). در دعوی بوسنی و هرزو گوین علیه صربستان و مونته نگرو، دولت خوانده به دلیل عدم اجرای تعهدات خود در این زمینه و عدم همکاری با دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق محکوم شناخته شد.

۱-۴. تعهد به اینکه عمل نسل‌کشی و اعمال دیگر مزبور در ماده ۳ را از لحاظ استرداد مجرمین، جرم غیر سیاسی محسوب و طبق قوانین کشور خود و قراردادهای موجود با استرداد مرتکبان آن موافقت کنند (ماده ۷).

۱-۵. حسب مورد، تعهد به اینکه از مراجع صلاحیت دار سازمان بخواهند طبق منشور ملل متحد برای پیشگیری و مجازات نسل‌کشی اقدامات مقتضی بعمل آورد (ماده ۸).

۱-۶. تعهد به اینکه اختلافات حاصله میان خود در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای کنوانسیون ۱۹۴۸ پیشگیری و مجازات نسل‌کشی از جمله اختلافات راجع به مسئولیت یک دولت در مورد نسل‌کشی به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهند (ماده ۹).

۱-۷. دیوان در قضیه شکایت بوسنی و هرزو گوین علیه یوگسلاوی در بررسی ادعای دولت خواهان به این مساله تصریح داشت که گرچه در متن کنوانسیون تصریح نشده اما از فحوی مفاد کنوانسیون چنین استنباط می‌شود که دولتها متعهدند خود مرتکب جرم نشوند (Ibid, paras. 166-167).

۸-۱. بر اساس رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری، قرارها و ترتیبات موقت این دیوان و دیگر مراجع قضایی کیفری مانند دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند برای دولتها منشاء تعهد و نقض آن موجب مسئولیت بین‌المللی باشد. بنابراین، دولتها در زمینه نسل‌کشی تعهدات مختلف دارند که در صورت نقض، صرف نظر از منشاء آنها، مسئولیت بین‌المللی خواهند داشت

رکن دیگر عمل غیرقانونی دولتها این است که رفتار غیرقانونی بین‌المللی قابل انتساب به دولت باشد (بند الف ماده ۲ طرح پیش نویس مسئولیت بین‌المللی دولت). دولت در حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی و رفتار آن در واقع فعل و ترک فعل افراد انسانی یا گروهی از افراد است و از طریق ماموران یا نمایندگان خود اقدام می‌کند. از این رو، لازمه مسئول شناختن آن این است که اعمال ارتكابی افراد به دولت‌ها قابل انتساب باشد (Report of the International Law Commission on the work of its fifty-third session, op. cit., pp. 34-36).

ب- قابلیت انتساب نقض تعهدات بین‌المللی در نسل‌کشی به دولتها

بر اساس مقررات ماده ۴ طرح پیش نویس مسئولیت بین‌المللی دولتها در حقوق بین‌الملل، رفتار رکن دولت، اعم از ارکان تقنینی، اجرایی و قضایی عمل دولت تلقی می‌شود. رکن دولت شامل فرد یا هر شخصیت حقوقی است. علاوه بر این، برخی اعمال افراد یا اشخاص غیر رکن دولت ممکن است بر اساس حقوق بین‌الملل به دولت قابل انتساب باشد. این موضوع در تصمیمات قضایی بین‌المللی تایید شده است (Ibid, p. 40; Rapport de la Commission du droit international, Soixante et unième session). امکان نقض تعهدات بین‌المللی دولتها در زمینه نسل‌کشی به دو صورت قابل فرض است؛ فرض نخست آنکه نقض تعهدات بوسیله ارکان دولت، فاقد وصف کیفری نسل‌کشی یا یکی از جرائم مرتبط با آن باشد. فرض دوم اینکه تعهدات نقض شده وصف کیفری داشته باشد. به طور کلی، دولت به واسطه عمل ارکان خود مسئول شناخته می‌شود و در واقع این افراد منتسب به ارکان دولتی هستند که مرتکب رفتاری غیرقانونی بین‌المللی می‌شوند. انتساب عمل افراد به دولت زمانی است که فرد به عنوان کارگزار دولت یا از جانب دولت و یا به نام دولت یا به عنوان کارگزار واقعی و بدون اختیار قانونی اقدام کرده باشد. باید گفت که ارتكاب نسل‌کشی موجب مسئولیت کیفری فردی است اما مسؤلیت کیفری فردی لطمه‌ای به مسؤلیت دولتها در حقوق بین‌الملل وارد نمی‌کند. مسؤلیت بین‌المللی دولت در ارتباط با جرم نسل‌کشی ممکن است ناشی از عمل ارکان دولتی یا ناشی از عمل اشخاص خصوصی باشد. بنابراین، نقض تعهدات مربوط به نسل‌کشی بوسیله دولتها موجب مسئولیت بین‌المللی آنهاست و این اثر حقوقی نقض تعهدات بین‌المللی

است (ماده ۲۸ طرح پیش نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها) و نظام مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نسل‌کشی ماهیتی خاص دارد.

بند دوم: نظام مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نسل‌کشی

به طور کلی، مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از یک عمل نادرست بین‌المللی، متضمن آثار حقوقی است. این آثار حقوقی در درجه نخست تعهدات جدید مانند تعهد به جبران خسارت برای دولت متخلف ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، این آثار برای دیگر دولت‌ها و به طور مشخص برای دولت‌ها یا دولت‌های لطمه دیده و در بعضی موارد، جامعه بین‌المللی حقوقی جدید ایجاد می‌کند (مستقیمی و طارم سری، همان، ص ۱۹۹). آثار حقوقی نقض تعهدات مربوط به نسل‌کشی لطمه‌ای به مسئولیت مستمر دولت‌ها برای انجام تعهدات نقض شده نمی‌زند. ضمن این که مستنبط از مواد ۲۹ و ۳۰ طرح پیش نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها این است که دولت ناقض تعهدات مربوط به مساله نسل‌کشی تعهد دارد عمل را متوقف کند و به آن پایان دهد و تضمین کند که آن را در آینده تکرار نکند. در واقع، این تضمینی برای پیشگیری از تکرار جرم در آینده است. توقف عمل ناقض تعهد بین‌المللی در زمینه نسل‌کشی نخستین شرط لازم برای از بین بردن آثار عمل ناقض و یکی از آثار مهم آن عمل است. نقش تعهد به توقف نقض تعهد این است که به نقض حقوق بین‌الملل پایان دهد و اعتبار قاعده اولیه مهم را تضمین کند. تعهد دولت مسئول برای توقف عمل ناقض، هم از منافع دولت لطمه دیده و هم از منافع جامعه بین‌المللی حمایت می‌کند. تضمینات برای عدم تکرار ممکن است از طریق جلب رضایت صورت بگیرد (Bosn. & Herz. v. Serb. & Mont., paras. 459-466).

نتیجه

به رغم نقاط ضعف رویکردهای پیشگیرانه و تقنینی سازمان ملل برای مبارزه با نسل‌کشی، این سازمان در بعد قضایی راهبردهای مناسبی اتخاذ و به مراجع قضایی کیفری و حقوقی متوسل شده که آخرین مورد آن تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی است. سازمان در بستر این مراجع، سیاست اجرای عدالت را در مورد عوامل نسل‌کشی دنبال کرده و ضمن مجازات مرتکبان، ترمیم آسیب زیان‌دیدگان نسل‌کشی را سرلوحه سیاست‌های خود قرار داده است. در عین حال، به مساله برقراری صلح و امنیت نیز توجه کرده تا بین آنها توازن برقرار کند. علاوه بر این، سازمان توانسته با اعمال مسئولیت بین‌المللی، اجرای تعهدات دولت‌ها را در بعد نسل‌کشی تضمین، تقویت و بر پیشگیری از وقوع آن تاکید کند. اما این کافی نیست و قطعاً اجرای کامل عدالت در مورد نسل‌کشی در چارچوب و بسترهای تعریف شده کنونی ممکن نیست.

هنوز این قابلیت و ظرفیت وجود دارد که بتوان با تعریف سازوکارهای جدید از جمله اعمال تنبیهات و ضمانت اجراهای شبه کیفری و توسعه مسئولیت کیفری برای دولتها و اشخاص حقوقی، البته متفاوت با نظام‌های کیفری ملی و یا حداقل مشابه آن، بار مسئولیت دولتها را که بستر شکل گیری و وقوع نسل کشی است در جهت اجرای عدالت، بیشتر و زمینه را برای پیشگیری از وقوع نسل کشی فراهم آورد. این امر امکان‌پذیر، ولی نیازمند هماهنگی و همکاری بین‌المللی است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. آپارو، سان خوزه جیل، (۱۳۷۹)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۰-۲۹.
۲. ابراهیمی، سید نصرالله، (۱۳۷۸)، «درآمدی بر تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و ارزیابی اساسنامه آن»، در: مجموعه مقالات دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران (به اهتمام اسحاق آل حبیب)، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. اردبیلی، محمد علی، محمد جعفر حبیب زاده و حسین فخر بناب، (۱۳۸۵)، «نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره سوم.
۴. بیگزاده، ابراهیم، (۱۳۷۵)، «سازمان متحد؛ محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸.
۵. بیگزاده، ابراهیم، (۱۳۷۷-۱۳۷۶)، «بررسی جنایات نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲-۲۱.
۶. خزانی، منوچهر، (۱۳۶۵)، «سیستم قانونی بودن و سیستم موقعیت داشتن تعقیب کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره دوم.
۷. شریعت باقری، محمد جواد، (۱۳۸۸)، «حقوق کیفری بین‌المللی، نشر جنگل، چاپ نهم.
۸. شیرینی، عباس، (۱۳۸۵)، «پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت کیفری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴.
۹. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، (۱۳۷۹)، «حق حیات»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۲-۳۱.
۱۰. کاسسه، آنتونیو، (۱۳۷۰)، «جامعه بین‌المللی و کشتار جمعی»، ترجمه محمد علی اردبیلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰.
۱۱. کاسسه، آنتونیو، (۱۳۸۳)، «تعقیب کیفری کارگزاران عالی‌رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های بین‌المللی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی»، ترجمه حمیدرضا جاویدزاده، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵.
۱۲. مستقیمی، بهرام و مسعود طارم سری، (۱۳۷۷)، «مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران (زیر نظر جمشید ممتاز)، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب- خارجی

- 1-Akhavan, Payam, 2001, Beyond impunity : can international criminal justice prevent future atrocities?, *THE AMERICAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW*, Vol. 95.

- 2-Benages, Thomas, 2005, " La convention Pour la prévention et la répression du crime de Génocide à l'épreuve du Tribunal Pénal International pour l'Ex-Yougoslavie ", **Thèse pour le doctorat en droit**, Université d'Auvergne, Faculté de droit et de Sciences politiques.
- 3-Beth Van, Schaack, 1996-1997, "The Crime of political Genocide: Repairing the Genocide Convention's Blind Spot", **The Yale Law Journal**, Vol. 106.
- 4-Beth Van, Schaack, 2010, Closing In On the Khmer Rouge: The Closing Order in Case 002 Before the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia, Volume 14, Issue 31, available at <http://www.asil.org/ajil/ajilindx.htm>.
- 5-Chris, Maina Peter, 1997, Le Tribunal pénal international pour le Rwanda : obliger les tueurs à rendre compte de leurs actes, **Revue internationale de la Croix-Rouge**, no 828.
- 6-David, Kaye, 2010, The First Review Conference of the Rome Statute of the International Criminal Court, Volume 14, Issue 11, downloaded from , <http://www.asil.org/insights/>, visited at 2010-05-25.
- 7- Destexhe, Alain, 2001, Justice internationale: les enjeux de la compétence universelle ou Impunité et compétence universelle, *Journal des Procès*, n°417.
- 8-Feinberg, Gary, 2006, The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia: The Establishment and Evaluation of a Unique Concept in International Justice Administration, in **War Crimes, Genocide & Crimes against Humanity** ,Vol. 2, available at <http://www.aa.psu.edu/journals/war-crimes/articles/v2/v2a2.pdf>.
- 9-Heller, Kevin Jon, 2007, "The Situation in Darfur: Prosecutor's Application under Article 58(7) of the Rome Statute", Vol. 11, Issue 7, available on <http://www.org.asil.org/insights> visited at 2009-03-14.
- 10-K. HONG, 2008, A Genocide by Any Other Name: Language, Law, and the Response to Darfur, **Virginia Journal of International Law**, Vol. 49:1.
- 11-Kirsch, Philippe, 2007, " Applying the principles of Nuremberg in the international criminal law court" in **Washington University Global Studies Law**, vol. 6, 2007.
- 12-Magnarlla, Paul J., 2005, "The Background and Causes of the Genocide in Rwanda", **Journal of International Criminal Justice**, No.3.
- 13-Marcus, David, 2003, Famine crimes in international law", in **The American Journal of International Law**, Vol.97.
- 14-Milanovic, Marko, 2008, "ICC Prosecutor charges the President of Sudan with genocide, crimes against humanity and war crimes in Darfur ", *ASIL Insights*, Vol. 12, Issue 15, available on <http://www.asil.org/insights/2008/07/insights080728.html> ,visited at 2009-12-20.
- 15-Ottenhof, Reynald, 2007, Les victimes de la criminalité dans un monde globalisé , Conférence Mondiale de Droit Pénal. Le Droit Pénal au XXIème siècle. Guadalajara (Mexique), **La Revue Internationale de Droit Pénal**, available at <http://www.penal.org> .
- 16-P. J. Dussich, John, 2007, The Need for an International Convention for Victims of Crime, Abuse of Power and Terrorism, Conférence Mondiale de Droit Pénal. Le Droit Pénal au XXIème siècle. Guadalajara (Mexique), **La Revue Internationale de Droit Pénal** , 2008, C-02:2, available at <http://www.penal.org> .
- 17-Q. Barrett, 2007, The Nuremberg roles of justice Robert H. Jackson, **Washington University Global Studies Law Review**, Vol. 6, N. 3, available at http://law.wustl.edu/WUGSLR/Issues/Volume6_2/burkeen.pdf.
- 18-Patricia, M. Wald, 2001, "The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia Comes of Age: Some Observations on Day-To-Day Dilemmas of an International Court", in **Journal of Law & Policy**, vol.5.
- 19-Pieter H.F. Bekker, 2007, "The International Court of Justice's Decision in Bosnia and Herzegovina V. Serbia and Montenegro", vol. 23, Issue 2, downloaded from <http://www.asil.org/insights/> , visited at 2009-09-11.
- 20-Saira, Mohamed, 2010, The ICC Appeals Chamber Decision on the Warrant of Arrest in Prosecutor v. Bashir, *ASIL Insight*, Volume 14, Issue 4, available at <http://www.asil.org/insights/>, visited at 2010-02-22.
- 21-Sarkin, Jeremy & Fowler, Carly, 2008, Reparations for Historical Human Rights Violations: the International and Historical Dimensions of the Alien Torts Claims Act Genocide Case of the Herero of Namibia, **Human Rights Review**, n. 9.
- 22-Tabachnyk, Dmytro, 2004, the Vice Prime Minister of Ukraine, Address in **The Stockholm International Forum: Preventing Genocide**, Plenary Sessions / Plenary Session 1, available at: <http://www.dccam.org/Projects/Affinity/SIF/DATA/2004/page1497.html>.
- 23-Tomuscha, Christian, 2006, " The Legacy of Nuremberg ", in *Journal of International Criminal Justice*, N. 4, available at <http://jicj.oxfordjournals.org/cgi/content/short/5/1/67>

Rapport de la Commission du droit international, Soixante et unième session 4 mai-5 juin et 6 juillet-7 août 2009, Assemblée générale, Documents officiels Soixante-quatrième session Supplément no 10 (A/64/10).

24-Voj In Dimitri Marko, 2008, The Strange Story of the Bosnian *Genocide* Case, **Leiden Journal of International Law**, n. 21, available at <http://www.law.leiden.edu/organisation/publiclaw/publicinternationallaw/leiden-journal-of-international-law/ljil.html>.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«حمایت کیفری از اتباع: جنبه فراموش شده اصل صلاحیت شخصی در حقوق ایران»، ۱۳۸۲، ش ۶۰، ص ۱۷۱، «انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران»، ۱۳۸۳، ش ۶۴، ص ۷۷.